

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا) / جلسه ۳۰

۱۳۹۴ / ۰۷ / ۰۶



■ میلاد ائمه، یکی از بهترین زمان‌ها برای تقرب به

خداوند

■ یادگارهای امام هادی (علیه السلام)

۱. سازمان وکالت

۲. زیارت جامعه کبیره

۳. زیارت‌نامه امیر المؤمنین (علیه السلام)

۴. عبدالعظیم حسنی

■ خون حاجیان، تسریع‌کننده سرنگونی آل سعود

■ ضرورت بزرگداشت هفته دفاع مقدس

■ اصرار بر گناه، گناهی که از آن باید به خدا پناه برد

■ چند نکته راجع به اصرار بر صغیره

■ متقین بر گناه اصرار ندارند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردمهد

## میلاذ ائمه، یکی از بهترین زمان‌ها برای تقرب به خداوند

(علیه السلام) متولد شده، یعنی نزول رحمت بی‌کران حضرت حق و درخشش نور حجت خدا در این قطعه از زمان واقع شده است. لذا وقت استغفار، درخواست از خدای متعال و دعا است؛ ظرفیت خیلی خاصی دارد و وقت تقرب به ساحت قدس ربوبی است. هم برای رفع موانع بهترین امکان در اختیار ما است و هم برای سرعت و سبقت گرفتن؛ پس باید آن را قدر دانست.

انسان مؤمن در پرتو نور حضرت هادی (علیه السلام) توجه پیدا می‌کند به اینکه از خدا هدایت باطنی بخواهد؛ مخصوصاً در مقام انتخاب که معمولاً ما در مسیر زندگی دائماً در معرض انتخاب هستیم.

### یادگارهای امام هادی (علیه السلام)

#### ۱. سازمان وکالت

در پرتو نام این امام بزرگوار به یاد جریان عمومی و همیشگی هدایت الهی می‌افتیم

نیمه هر ماه جزء فرصت‌های سلوکی تلقی می‌شود و ظرفیت معنوی خاصی دارد؛ لذا خوب است مؤمن شب و روز نیمه هر ماه را مراقبت داشته باشد؛ مخصوصاً اگر ولادت باسعادت حضرت امام هادی (علیه السلام) هم باشد که به حسب نقل، در نیمه ذی الحجه سال ۲۱۲ ولادت باسعادت آن حضرت قرار گرفته است. معمولاً فرصت میلاذ یعنی قطعه‌ای از زمان که درخشش نور امام (علیه السلام) در آن واقع شده است. ولادت امکان ویژه‌ای را برای تقرب به حضرت حق در اختیار مؤمنین می‌گذارد. به همین دلیل باید آن را خیلی قدر بدانیم. در سحر چنین شب فرخنده‌ای امام

که به عنوان یک سنت جاری، دائمی و باقی است. در پرتو نام این امام عزیز و بزرگوار به یاد یکی از اصلی‌ترین نهادهای شیعی می‌افتیم که عبارت است از نهاد وکالت و نیابت از امام (علیه السلام)؛ کار بزرگی که مقدمه آن از زمان امام جواد (علیه السلام) شکل گرفت و در زمان امام هادی (علیه السلام) مستقر شد به عنوان مقدمه عصر غیبت تا مردم مهیا باشند که از طریق وکلا و نواب، ارتباطشان با حجت خدا برقرار بماند. به این ترتیب نقشه الهی برای استمرار هدایت در عصر غیبت توسط آن حضرت آماده شد. آنچه ما امروز به عنوان ولایت فقیه و مرجعیت می‌شناسیم، محصول همین طراحی ائمه هدی (علیهم السلام)، به ویژه امام هادی (علیه السلام) است که در زمان آن حضرت این قضیه تثبیت شد. در پرتو نام امام هادی (علیه السلام) به یاد

این هدیه بزرگ الهی، یعنی ولایت فقیه با معنای وسیع و گسترده‌اش می‌افتیم. دلیل اصلی مخالفت‌های عجیب و غریب دشمنان اهل بیت با امام هادی (علیه السلام) این است که با این طراحی راه آنها را سد کرده و مسیر اعتلای دوستان حضرت را فراهم آورد. امروزه ما بحمدالله بهره‌مند هستیم و از نیابت تام برخوردار شدیم، این ویژگی عصر ما است. عصر ما، عصر ماه تمام نیابت است. شب هست، ولی روشن هست؛ مثل لیالی مقمره. در عصر غیبت وقت‌هایی داشتیم که خیلی تاریک بوده. شب غیبت گاهی خیلی تاریک است. ماه هلال بوده است. اما گاهی روشن‌تر بوده و در زمان ما در قله روشنائی و در اوج است. یعنی ماه شب چهارده نیابت و مرجعیت و وکالت را درک می‌کنیم که از آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود. خدای

را به میهمانی این زیارت‌نامه بسیار عظیم و عجیب می‌برد و واقعاً از میراث‌های بسیار بزرگ است. باید از آن بهره‌مند شد و با آن مأنوس بود. جوان‌ها سعی کنند جامعه کبیره را حفظ کنند؛ چراکه جوشن کبیر امامت است.

### ۳. زیارت‌نامه امیرالمؤمنین

(علیه السلام)

زیارت‌نامه مفصلی که از آن حضرت برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده نیز یک مجموعه عظیم بسیار گرانبها است و تأثیر عجیبی دارد. در علی‌شناسی مکتب روشنی است که پیش روی دوستان حضرت قرار دارد. مخصوصاً در روز غدیر یکی از بهترین متن‌ها برای اینکه انسان با امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن روز ارتباط بگیرد و هم بهره معرفتی ببرد و هم بهره عاطفی و قلبی، همین متن فاخر است.

متعال را باید شکر کنیم که در چنین زمانی، آن‌هم در کانون درخشش این ماه تمام زندگی می‌کنیم.

### ۲. زیارت جامعه کبیره

وقتی نام امام هادی (علیه السلام) برده می‌شود، در پرتو یاد آن بزرگوار به یاد چند یادگار گرامی آن حضرت می‌افتیم. به یاد جامعه کبیره می‌افتیم؛ این منظومه بزرگ امام‌شناسی که از مجموعه‌های فاخر و سرشار از معنویت و معرفت و نورانیت است. انسان در مورد جامعه کبیره نمی‌داند چه بگوید، از ابوابی که باز می‌کند، از افق‌گشایی که در ارتباط بین ما و ائمه هدی می‌کند، رمزگشایی‌هایی که دارد و... در این متن فاخر با آفاق تازه‌ای از جایگاه، ویژگی‌ها و صفات امام (علیه السلام) و حجت حق به نحو مطلق، و همچنین وظایفمان آشنا می‌شویم.

یاد امام هادی (علیه السلام) ما

النقی (علیه السلام) به ایشان فرمود: «مَرْحَبَا بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ، أَنْتَ وَلِيْنَا حَقًّا» [۱] خوش آمدی، ای ابو القاسم! تو به راستی دوستدار ما هستی». یاد حضرت عبدالعظیم ما را به یاد آن خاطره شیرین می‌اندازد که خدمت امام هادی رسید و گفت: من عقاید را خدمت شما تقدیم می‌کنم، ببینید درست است یا نه؟ به این ترتیب درس بزرگی به همه داد که انسان مؤمن مرتب مراقب عقایدش است و آنها را خدمت امام عرضه می‌کند تا از درستی عقایدش مطمئن شود. به هر ترتیب، عبدالعظیم حسنی عقایدش، از توحید تا رسالت، امامت و معاد همه را عرضه کرد و حضرت ضمن تأیید آن فرمودند: «أَنْتَ وَلِيْنَا حَقًّا». عبدالعظیم حسنی شخصیت بزرگی است که زیارت او ما را کربلایی می‌کند و پاداش زیارت حسینی را نصیب

در حرم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با این متن امام هادی (علیه السلام) با حضرت سخن بگوید، که بسیار شیرین و جذاب است. من مزه‌اش را چشیده‌ام که می‌گویم خیلی شیرین است! باید با آن انس بگیرید، چون متن سنگینی است و از قبل باید انسان به آن مراجعه کند و بهره‌مند شود تا بتواند در حرم علوی فیض ببرد.

۴. عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)  
 یاد امام هادی (علیه السلام)  
 ما را به یاد حضرت عبدالعظیم حسنی نیز می‌اندازد؛ یکی از یادگارهای گرامی آن بزرگوار که شعبه‌ای از لطف الهی و فیض ربانی است که در دسترس اهالی ری و تهران قرار گرفته است. انسان در شأن این محدث عالی‌قدر، فقیه نامدار، مجاهد کبیر، کریم عالی‌مقام و امام‌زاده واجب‌التعظیم چه می‌تواند بگوید؟ امام علی

است. باطن اتفاقات زمانه ما، آقای شاه‌آبادی است؛ چراکه پشت صحنه شخصیت امام راحل است. شخصیتی مثل آیت‌الله مجتبی‌تهرانی، خیلی بزرگ، عظیم، عزیز، منور، روشن و هدایت‌کننده است. یاد حاج آقا مجتبی‌دل‌ها را روشن می‌کند. حتماً با آثار ایشان مانوس باشید. بزرگانی که آنجا دفن هستند، یکی از یکی بهتر، درخشان‌تر، نورانی‌تر و تربیت‌کننده‌تر هستند. آنجا استاد عالی‌قدر ما آیت‌الله خوشبخت و مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی نیز هستند. اگر بخواهیم همه کسانی را که در آنجا دفن هستند، نام ببریم، فهرستی طولانی می‌شود.

### خون حاجیان، تسریع‌کننده سرنگونی آل سعود

اگر در سفر برای عزیز انسان حادثه‌ای رخ دهد، خیلی سخت است. همیشه سخت است، ولی در سفر و

ما می‌کند؛ [۲] لذا زیارت او را باید قدر دانست. ایشان تربیت‌شده امام هادی (علیه السلام) هستند. من در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم، بیشتر حس سامرابی دارم. با آنکه ثواب زیارت سیدالشهدا را دارد، اما اتصال به مقام شامخ امام هادی (علیه السلام) برای من خیلی شیرین است و در حرم احساس سامرابی است تا کربلایی. ان‌شاءالله خدای متعال توفیقش را مکرر نصیبمان کند. مجاور و همسایه حضرتیم، ولی متأسفانه محرومیت زیاد داریم و حظمان کم است. بعضی‌ها که اهل مراقبتند، هر وقت که برایشان ممکن شود، به زیارت می‌روند و فیض می‌برند. علاوه بر آن حضرت، از امامزادگان و بزرگانی که آنجا هستند، بهره ببرید که آنان ستارگان بر گرد خورشید درخشان هستند. مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی از جمله کسانی است که در آنجا دفن



غربت بسیار سخت‌تر است. حادثه مکه مکرمه با توجه به مقدمات قبل از سفر، خداحافظی‌ها و انتظارها، برای این خانواده‌های عزیز خیلی سخت است. گاهی با خودم می‌گویم صداوسیمای چرا اینها را نشان می‌دهد؟ برای اینکه عمق فاجعه آشکار شود، آن صحنه‌ها را نشان می‌دهد، ولی از طرفی دل آدم را آتش می‌زند و غیر قابل تحمل است. دلایل فراوان نشان می‌دهد که این ماجرا عمدی بوده و حادثه عادی نیست. گزارش‌های حجاج صادق ما از اصل اتفاق، حواشی آن، نوع جمع کردن ماجرا، بی‌اعتنایی‌ها و برخوردهای مأموران سعودی، که خیلی از این عزیزان بعد از حادثه از دنیا رفتند، خیلی عجیب است. این حادثه چه عمدی در کار باشد و چه از سر بی‌کفایتی باشد، مکر الهی را درباره آنها نشان می‌دهد و تسریع‌کننده زوال رژیم پلید کثیف نکبت آل سعود است. ریشه آنها را که بررسی می‌کنیم، به مصداق خاصی که در قرآن کریم معرفی شده، یعنی شجره ملعونه [۳] می‌رسیم. اینها از همان‌ها هستند و اقسام شاخه‌های همان شجره ملعونه هستند که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. قطعاً این خون‌های مظلوم و از دنیارفتن‌های شهادت‌گونه - آن‌هم بعد از این سیر منازل و بعد از عرفات و آن اعمال با لباس احرام و شرایط خاص - نابودی آل سعود را تسریع خواهد کرد.

### ضرورت بزرگداشت هفته دفاع مقدس

امسال هفته دفاع مقدس تحت شعاع ماجرای منا قرار گرفت و تا حدی ذهنیت عمومی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد. نباید بگذاریم

این عزیزان بعد از حادثه از دنیا رفتند، خیلی عجیب است. این حادثه چه عمدی در کار باشد و چه از سر بی‌کفایتی باشد، مکر الهی را درباره آنها

است از مطالبی که انسان باید یادش بیاد. کسانی که بودند می‌دانند چه خبر بود. همه‌اش شور حسینی و الهام گرفتن از امام حسین (علیه السلام) بود. من هیچگاه این خاطره و صحنه را فراموش نمی‌کنم. اولین بار که در قالب طلبگی به جبهه رفتم، با تیپ قمر بنی‌هاشم بود که بیشتر افراد آن از اطراف اصفهان بودند. یک روز در دشت عباس، عملیات والفجر مقدماتی، غروب خیلی سنگینی روی تپه‌ای نشسته بودم. بچه‌ها از اطراف گردان‌های مختلف با پرچم‌های خودشان و با نظم خاصی حرکت کرده می‌کردند و از اطراف به سمت محل نماز مغرب و عشا می‌آمدند، من هم نشسته بودم و احساس خودم را راجع به این جماعت می‌نوشتم. احساس کاملاً عاشورایی بود؛ یک گروه با پرچم حضرت زینب، یک گروه با پرچم حضرت

یاد بزرگان و سرداران مجاهد فراموش شود؛ چراکه امروز ما هرچه داریم، به خاطر همت و مجاهدت آنهاست. همه چیز را مدیون شهدا، جانبازان، ایثارگران، آزادگان و مخصوصاً خانواده‌های عزیزشان هستیم. آنها حق حیات بر گردن ما دارند. امیدواریم خداوند تبارک و تعالی شهدایشان رو با سالار شهیدان محشور کند جانبازان عزیزمان رو صبر کرامت کند و شفا کرامت کند به خانواده‌های عزیزشان صبر جمیل اجر جزیل کرامت کند ازادگان عزیز ما، و خداوند کسانی ر که در این مجاهدت بزرگ شرکت داشتند استقامت بدهد دوام مجاهدت کرامت کند که در خط بمانند و حفظ شوند و فتنه‌های آخر زمانی آنها از راه مستقیم خارج نکند. دفاع مقدس ما را سیدالشهدا اداره کرد و فرماندهی این کار بزرگ با امام حسین (علیه السلام) بود. در اینجا بابی

دارد. «مأثم» به معنای گناه است. از اثم است که انسان را باز می‌دارد، کند می‌کند و نفسش را می‌گیرد. انسان را از قافله جا می‌گذارد. گناه چنین بلایی سر انسان می‌آورد و انسان را از قافله کمال، رشد و هدایت عقب نگه می‌دارد و به بیراه می‌کشاند. در اینجا به خداوند متعال پناه می‌بریم از اینکه بر گناه پافشاری و اصرار کنیم. این به حسب لغوی است، اما در اصطلاح، «اصرار بر گناه» اصطلاحی است که هم علمای اخلاق آن را به کار می‌گیرند و هم فقها؛ یعنی هم بحث اخلاقی است و هم فقهی. البته بیشتر، بحث اخلاقی آن مطرح است. اصرار بر گناه یعنی انجام گناه، چه صغیره و چه کبیره، و ادامه یا تصمیم بر ادامه بدون توبه و پشیمانی. «اکبرالکبائر» اصرار بر کبیره است. در فهرست طولانی گناهان کبیره - که حدود چهل گناه است -

ابوالفضل، گروهی دیگر با پرچم حضرت علی اکبر، با پرچم حضرت علی اصغر، حضرت قاسم و... اسم گردان‌ها و دسته‌ها به اسم اصحاب سیدالشهدا نامگذاری شده بود. احساس می‌کردی در فضای عاشورا هستی، با همان حال و هوا. پس از عملیات هم شب غریبی بود، لحظاتی سخت که بدن شهدا دور ما ریخته بود و ناله‌های جانبازان و مجروحان بلند بود.

### اصرار بر گناه، گناهی که از آن باید به خدا پناه برد

در بیان تفصیلی فراه‌های دعای هشتم صحیفه - که درباره آسیب‌شناسی و آفت‌های بزرگ و خطرناک است - رسیدیم به این فراز: «وَ الإِصْرَارُ عَلَی الْمَأْثَمِ». کلمه «اصرار» در فارسی، به معنای پافشاری و کاری است که انسان به آن عادت می‌کند، استمرار می‌دهد و بر آن تأکید

کمینگاه شیطان برای مؤمنان است. ذیل آیه «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» [۴] و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [که گناه است]، پافشاری نمی‌کنند»، یکی از امامان می‌فرماید که بعد از این آیه، شیطان جلسه‌ای گرفت و شیطانک‌ها را جمع کرد و گفت: انسان‌ها استغفار می‌کنند و کارشان اصلاح می‌شود، چه کار باید کرد؟ پیشنهاد یکی از آنها این بود که از طریق غفلت در توبه و تسویف [۵] و تأخیر آن، می‌توانیم کاری کنیم که بدون توبه روی گناه خودشان بمانند و بمیرند. در چنین وضعی آنها را نگه داریم. اینجا کمینگاه شیطان است که باید خیلی حواس را از نظر اخلاقی و سلوکی جمع کرد. اصرار یعنی باقی ماندن در گناهان صغیره بدون توبه و ندامت که شخص را در معرض سقوط به دره بی‌تقوایی و بی‌پروایی قرار می‌دهد. اصرار بر صغیره،

بزرگ‌ترین آن اصرار بر کبیره است. این به فساق و فجار مربوط می‌شود. معمولاً انسانی که در جاده تقوا و ایمان است، چنین بدبختی و مصیبت بزرگی بر سرش نمی‌آید. هلاکت کسی که بر کبیره اصرار داشته باشد، قطعی است؛ مگر اینکه قبل از مرگش برایش انقلابی رخ دهد و نجات یابد. اما اصرار بر صغیره، از مواردی است که بین مؤمنین محل ابتلا است. اینکه امام سجاد (علیه السلام) اینجا «اصرار بر مآثم» را آورده، طبعاً شامل همه‌ی مراتب آن می‌شود؛ یعنی هم شامل اصرار بر کبیره است و هم اصرار بر صغیره. ولی بر اساس تناسب و حال و هوای دعاهای صحیفه و روایات دیگر، به نظر می‌رسد به طور خاص مسئله اصرار بر صغیره مطرح است که حاکی از بی‌مبالاتی، بی‌دقتی، غفلت و عادی شدن ارتکاب بر گناه است که

خود، جزء گناهان کبیره است؛ چون از خبث باطن، بدجنسی و پلیدی درون حکایت می‌کند و خروج از بندگی است. درباره آثار فقهی‌اش می‌گویند که اصرار بر گناهان صغیره خودش گناه کبیره است؛ در نتیجه شخص مبتلا به اصرار بر صغیره، با فرض عدم توبه، از عدالت مورد نیاز در ابواب گوناگون فقه در باب امامت جماعت، شهادت، قضاوت و امثال اینها خارج می‌شود. مرحوم شهید ثانی [۶] در کتاب قواعد می‌گوید اصرار بر گناه صغیره، یا فعلی است یا حکمی. یعنی شخص گناه یا گناهان صغیره‌ای را دائماً انجام می‌دهد، بدون اینکه توبه کند. این می‌شود فعلی. اما حکمی یعنی گناه صغیره‌ای را یک بار انجام داده، بعد تصمیم دارد دوباره آن را انجام دهد. هرچند مرتکب نشود، ولی چون عزمش را دارد، اصرار حکمی محسوب می‌شود.

البته بعضی به مرحوم شهید یک ایراد فنی می‌گیرند، مثل مرحوم شیخ بهایی و مرحوم سید علیخان که در شرح کبیر بر صحیفه می‌گویند اگر کسی گناه صغیره‌ای را انجام نداده باشد، ولی حقیقتاً عزم بر انجام آن دارد، طبق نظر شهید ثانی، اصرار بر گناه نسیت؛ زیرا او می‌گوید که یک بار انجام داده و قصد دارد بعد از آن هم انجام دهد. اما مرحوم شیخ بهایی می‌گوید همین که همیشه درصدد بوده فلان گناه صغیره را انجام دهد، حتی اگر اصلاً آن را هم مرتکب نشد، جزء اصرار است، ولی خارج از تقسیم شهید ثانی نیست.

### چند نکته راجع به اصرار بر صغیره

راجع به اصرار بر کبیره اصلاً حرفی نمی‌زنیم؛ چون نمی‌شود درباره‌اش چیزی گفت که چه گناه پلید عظیمی است. اما درباره آثار خطرناک اخلاقی اصرار بر صغیره، چند

مرحوم شهید ثانی هستیم. البته این آدم در معرض خطرهای اخلاقی است، اما نمی‌توانیم بگوییم مرتکب کییره شده و از عدالت ساقط است. بار فقهی ندارد، ولی بار اخلاقی دارد؛ یعنی از نظر سلوکی و باطنی لطمه می‌خورد، اما از نظر فقهی، به نظر ما از عدالت خارج نمی‌شود.

### متقین بر گناه اصرار ندارند

از آیه ۱۳۳ تا ۱۳۶ سوره مبارکه آل عمران، منظومه‌ای در شرح صفات متقین است؛ آنجایی که می‌فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»؛ و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید». آیه ۱۳۴ متقین را به ما معرفی می‌کند که دارای چه ویژگی‌هایی هستند. برای

نکته حائز اهمیت است:  
 ۱. جزء کبائر محسوب می‌شود که باید از آن به خدا پناه برد.  
 ۲. گاهی مداومت بر گناه صغیره خاص است؛ مثلاً ابتلا به نگاه به نامحرم، پوشیدن لباس حریر و دست دادن به نامحرم.  
 ۲. گاهی مداومت بر گناهان صغیره متنوع است؛ مثلاً مثال‌هایی که زدیم، کسی همه اینها را مرتکب می‌شود، نه به صورت مداوم، منتها متنوع. ارتکاب مجموعه این گناهان صغیره حکایت از این دارد که شخص بی‌مبالاتی است.  
 ۳. انجام گناه صغیره یکی دو بار و تصمیم و عزم بر انجام مجدد آن، هرچند فرد موفق نشود، این نیز اصرار بر صغیره است. اگر کسی عزم انجام گناهی را داشته، ولی هیچ‌وقت آن را انجام نداده، ما بر خلاف نظر مرحوم شیخ بهایی آن را جزء اصرار نمی‌آوریم، و بیشتر سمت

عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند - و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [که گناه است]، پافشاری نمی‌کنند. متقین کسانی هستند که وقتی گرفتار گناه می‌شوند، چه گناه کبیره - فاحشه یعنی گناه کبیره - و چه گناه صغیره، بلافاصله به یاد خدا می‌افتند: «ذَكَرُوا اللَّهَ» که نتیجه‌اش می‌شود: «فَاسْتَغْفَرُوا»، استغفار می‌کنند، به درگاه خدای متعال می‌روند و از ظرفیت مغفرت الهی بهره‌مند می‌شوند. «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا» محل بحث ما است. بر آنچه انجام دادند، اصرار نمی‌ورزند؛ یعنی هیچ گناهی بدون توبه در نامه عمل آنها نمی‌ماند. نمی‌شود گفت گناه نمی‌کنند، زیرا آن مقام عصمت است،

معرفی از صفت انفاق آنها شروع می‌کند: «الَّذِينَ يُفْقُونَ فِي السَّيِّئَاتِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد». این آیه، آیه مشهوری است. در ماجرای امام سجاد (علیه السلام) و کنیزک غافل که دست حضرت را مجروح کرد - که اهل سنت و شیعه آن را نقل کرده‌اند - کنیز وقتی گفت: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ»، حضرت گفت: خشمم را فرو بردم. کنیز گفت: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» حضرت فرمود: منی بخشیدمت. کنیز گفت: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»، حضرت فرمود: تو را بخشیدم.

آیه بعد می‌گوید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا

بی‌توجهی مرتکب شود، اما بلافاصله برمی‌گردد و اصرار نمی‌کند. یعنی به وادی توبه می‌آید. «وَلَمْ يُصِرُّوا» همان مقام توبه است.

در آیه بعد خداوند جزای چنین کسانی را بیان می‌کند: «أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛ آنان، پاداششان، آمرزشی از جانب پروردگارشان، و بوستانهایی است که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است. جاودانه در آن بمانند، و پاداش اهل عمل چه نیکو است». پاداش چنین کسانی این است که خداوند آنها را می‌بخشد، و نه تنها می‌بخشد، بلکه وارد بهشت می‌کند و در آنجا ابدی و جاودان هستند. در بهشت نیز بهترین رسیدگی‌ها را به آنها می‌کند.

درباره گناهان صغیره حضرت رضا (علیه السلام) در روایتی تکان‌دهنده فرمودند: «الصَّغَائِرُ

اما هیچ گناهی در نامه عمل آنها بدون استغفار نیست. «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلٰی مَا فَعَلُوا» یعنی هیچ گناهی، چه صغیره و چه کبیره، بدون توبه نمی‌ماند.

یک برداشت از این آیه این است که ممکن است کسی گناهی را انجام می‌داده، اما آن را گناه نمی‌دانسته است. بعد که می‌فهمد، روز و شب سیاه می‌شود و ندامت تمام وجودش را فرامی‌گیرد. حالا که فهمیده آن کار گناه بوده، بر انجام آن هیچ اصراری ندارد و بلافاصله استغفار و توبه می‌کند. در متن حدیث جنود عقل و جهل، فرمودند توبه از لشکریان عقل است. مقابلش چیست؟ اصرار که جزء لشکر جهل و ساقط‌کننده‌ها است. در صحیفه نوریه عرشیه نیز چند جا امام سجاد (علیه السلام) اصرار را در برابر توبه قرار داده‌اند. انسان متقی طبعش با گناه هماهنگ نمی‌شود. ممکن است از سر غفلت یا



حال این عزیزان می‌شود و به عنایت الهی همه‌ی آنها بهره‌مند هستند.



### منابع و مآخذ

[۱]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۶۸.

[۲]. امام هادی (علیه السلام) به مردی از اهالی ری که به زیارت امام حسین (علیه السلام) رفته بود، فرمودند: «أما إِنَّكَ لَوِ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام)؛ اگر قبر عبد العظیم را در شهر خود زیارت کنی، چنان است که گویی امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده‌ای». ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

[۳]. خداوند در آیه ۶۰ سوره

مَنْ الذُّنُوبَ طُرُقُ إِلَى الْكِبَائِرِ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ؛ [۷] گناهان کوچک، زمین‌ه گناهان بزرگ است. هر که در گناه کوچک از خدا نترسد، در گناه بزرگ هم از خدا نخواهد ترسید». اگر کسی در گناه صغیره گرفتار بی‌پروایی شد، در کبیره هم این بی‌پروایی دامنش را می‌گیرد. لذا انسان مؤمن بیشتر باید مواظب گناهان صغیره و کوچک باشد تا به آنها مبتلا نشود. نکته آخر اینکه انسان به حال جان‌باختگان منا غبطه می‌خورد. بعد از اعمال عرفات که بعد از لیله القدر محیط آمرزش است، انسان در لباس احرام با آن وضعیت پذیرش شود؛ آن‌هم بان‌دای «یا حسین» و «یا مهدی». «أَوْلَيْكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» ان‌شاءالله شامل

معروف به شهید ثانی، از بزرگان فقهای شیعه بود. زین‌الدین شهید ثانی در روز ۱۳ شوال سال ۹۱۱ هجری قمری، برابر ۲۷ اسفند ۸۸۴، در دهکده جبج (یا جباج) جبل عامل، در یک خاندان علمی به دنیا آمد و در ۹۶۶ قمری، برابر ۹۳۸ خورشیدی، در سفر مکه به امر سلطان عثمانی بازداشت شد و بعد از چهل روز به شهادت رسید.

[۷]. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۸۰.

اسراء می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَبَّيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا؛ و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم: به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد. و آن رؤیایی را که به تو نمایانندیم، و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می‌دهیم، ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی‌افزاید».

[۴]. آل عمران: ۱۳۵.

[۵]. تسویف از ریشه سوف و به معنای تأخیر انداختن، ملاحظه و امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است.

[۶]. شیخ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبجی،





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۶ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر